

■ **سمانه صادقی**

**حضور اجتماعی و سیاسی زنان** در ایران سبقه طولانی‌تری از نقش آنان در تحولات و رخداد‌های دوران مشروطه دارد اما در جریان تحولات سیاسی ایران در انقلاب مشروطه فعالیت بیرونی زنان بیشتر شد و اقدام به تشکیل انجمن‌های خصوصی و سازمان‌های مخفی کردند. در این دوران زنان حتی در تظاهرات شرکت کرده و همیای مردان برای مقابله با ستمگری حکام و مقابله با نفوذ و حضور تجاوز کارانه دو کشور روسیه‌تزاری و انگلستان به مبارزه‌های مسلحانه پرداختند. برای آشنایی با فعالیت‌های زنان در به ثمر رسیدن انقلاب مشروطه با آقای مظفر شاهده یکی از پژوهشگران تاریخ معاصر به گفت‌وگو نشستیم که‌ه از نظر خواهید گذراند.

■ ■ ■

**هر گاه صحبت از حضور اجتماعی و سیاسی زنان در ایران می‌شود اکثراً نهضت مشروطه را آغازگر این مسئله می‌بندارند. به این واسطه پرسش نخست آن است که زنان از چه دوره‌ای به این نهضت ورود پیدا کر دند؟**

اجازه بدهید همین ابتدا عرض کنم آنچه در سال ۱۳۳۴ق/۱۲۸۵ش) ۱۹۰۶م در ایران اتفاق افتاده به معنای واقعی کلمه یک انقلاب بود، بنابراین ترجیح می‌دهم در طول این مصاحبه هم برای نامیدن آن واقعه از واژه انقلاب استفاده کنم که هم با مجموعه رخدادها و تحولات سیاسی و اجتماعی آن روزگار همخوانی بیشتری دارد و هم این‌که در مقایسه با واژه نهضت که معنای نارساستری دارد، در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران و جهان مفهوم دقیق‌تر و شناخته‌تری است. اما در پاسخ به پرسش شما باید عرض کنم، واقعیت این است که حضور اجتماعی و سیاسی زنان در ایران به‌مراتب طولاتر و پربافت‌تر از نقش آنان در تحولات و رخدادهای دوران انقلاب مشروطه می‌باشد.

**منظور تان چه دورانی است؟**

حداقل از دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار (۱۲۵۰–۱۲۱۲ق) که شاهد تحولی جدی در رابطه ایران و جهان غرب هستیم، رگه‌های روشن‌تری از حضور زنان ایران در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی را می‌بینیم.

**این حضور در عرصه سیاسی و اجتماعی چطور بروز پیدا کرده و در کدام برهه از تاریخ تأثیرگذار تر بوده است؟**

بالاخص در جریان جنگ‌های ایران و روس حضور هرچند غیرمستقیم‌تر زنان در حمایت از دفاع از مرزهای کشور در برابر ارتش متجاوز روسیه‌تزاری محرز است. به‌ویژه در دوره دوم جنگ‌ها دامنه این حمایت‌گری‌ها و پشتیبانی زنان از نیروهای ایرانی در برابر نیروهای بیگانه آشکارتر و محسوس‌تر می‌شود که می‌دانیم برخی از علما و مجتهدان شیعه هم علیه متجاوزان بیگانه و لزوم بازپس‌گیری قلمروهای کشور از ارتش روسیه فتواهایی صادر کرده بودند که همه اینها می‌توانست انگیزه حضور زنان در عرصه اجتماعی را افزایش دهد. با این توضیح که حضور و نقش سیاسی زنان دربار در تاریخ طولانی ایران گاه تعیین‌کننده بود که دامنه این تأثیرگذاری‌ها تا همین اواخر تا پایان دوران مشروطه (۱۳۵۷– ۱۲۸۵) هم بناوسانجامی ادامه یافت. ضمن این‌که می‌دانیم در فراخانی تاریخ ایران زنان در مناطق عشایری و روستایی کشور حضور اجتماعی گسترده‌تر و تأثیرگذارتری داشتند و در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی (خارج از محیط منزل)، دفاعی و تصمیم‌سازی‌های درون ایلی نقش‌های تعیین‌کننده‌تری ایفا می‌کرده‌اند و اگر در نظر داشته باشیم که تا اواخر دوران قاجار بیش عشایری بودند، آنگاه درمی‌یابیم که حضور اجتماعی زنان در ایران تا چه حد می‌توانسته دیرپا و در عین حال مؤثر بوده باشد. بنابراین وقتی از حضور اجتماعی و حتی سیاسی زنان سخن به میان می‌آوریم نباید حضور زنان را صرفاً به تحولات و رخدادهای ناصرالدین‌شاه محدود کنیم، کما این‌که تا همین الان هم زنان ایران در مناطق روستایی و عشایری بخش اعظمی از همان فعالیت‌های تاریخی اجتماعی و اقتصادی- معیشتی خود را در شئون و سطوح گوناگون دنبال می‌کنند؛اگرچه نمی‌توان تردید کرد که تحولات سیاسی و اجتماعی دوران جدید بر دامنه فعالیت‌های کمی و کیفی زنان در شئون گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی- تربیتی افزوده‌است، علی‌الحد بعد از سلطنت فتحعلی‌شاه و در دوران سلطنت محمدشاه (۱۲۶۴– ۱۲۵۰ق) حضور اجتماعی و سیاسی زنان پربنگ‌تر و تأثیرگذارتر از قبل شد.

**در این فعالیت‌ها در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه به چه صورت بود؟**

با آغاز دوران سلطنت طولانی ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۱۲– ۱۲۶۴ق) که شاهد نفوذ و حضور استعماری و سلطه‌جویانه دو کشور انگلستان و روسیه‌تزاری در شئون گوناگون سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی در ایران هستیم، نقش و جایگاه زنان در تحولات و رخدادهای سیاسی و اجتماعی آن روزگار گسترش چشمگیری پیدا کرد. با این توضیح که وقتی از حضور اجتماعی و سیاسی زنان سخن به‌میان می‌آوریم مقصود صرفاً اشاره به افراد یا گروه‌هایی از زنان نیست که خواستار همراهی و همگامی با تجدد و ایجاد تحول در عرصه اجتماعی و سیاسی جامعه در راستای تغییرات عصر مدرن بوده باشند.

**لزوم حضور سیاسی و اجتماعی زنان عصر قاجار در عرصه سیاسی چه بود و چه ماهیتی داشت؟**

واقعیت این است که هم در دوران نخستین عصر قاجار که هنوز جامعه ایرانی ویژگی‌های تقریباً ایرانی- اسلامی خود را حفظ کرده بود و هم در دوران معاصر که می‌تواند تا همین روزهای اخیر هم تسری پیدا کند، حضور سیاسی و اجتماعی زنان لزوماً به‌معنای تقاضا برای همراه شدن با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر مدرن و بی‌اعتنایی یا کنده شدن از سنت‌های فرهنگی دیرپای ایرانی- اسلامی نبوده



**«فراز و فرود مشارکت سیاسی زنان در ایرانِ معاصر»**

**در گفت‌وشنود با مظفر شاهدهی – بخش نخست**

# حضور گسترده زنان سنت‌گرا در مشروطه تعیین‌کننده بود

است. به همین دلیل هم به‌رغم حضور گسترده‌تر و تأثیرگذارتر زنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی اجتماعی دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، اما این حضور پررنگ و پر تعداد عمدتاً در چارچوب سنت‌های فرهنگی- دینی و ایرانی دیرپا در حیات جامعه ایرانی معنا پیدا می‌کند. چ‌ه این‌که بخش اعظمی از تحولات و رخدادهای سیاسی و اجتماعی ایران در آن روزگار (از جمله در تقابل با استبداد داخلی و استعمار خارجی) اساساً رنگ و ماهیتی ایرانی- اسلامی داشت و توسط علما و روحانیون شیعه و در تقابل با ستمکاری حکام و کارگزاران وقت از یک‌سو و مهم‌تر از آن مقابله با نفوذ و حضور تجاوز کارانه دو کشور روسیه‌تزاری و انگلستان رهبری و هدایت می‌شد.

**در این دوران زنان حضور تعیین‌کننده‌ای هم داشتند؟**

در همین دوران است که شاهد حضور اجتماعی و سیاسی بسیار مؤثر زنان در جریان مقابله و قیام مردم کشور با واگذاری امتیازات اقتصادی و مالی حکومت به اتباع انگلستان (به‌طور مشخص در جریان واگذاری امتیاز رویتز و امتیاز رژی تنباکو) هستیم که می‌دانیم دامنه این حضور می‌شود گفت تعیین‌کننده تا درون دربار و حرمسرای ناصرالدین‌شاه هم تسری پیدا کرد؛ با این توضیح که از دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه به‌تدریج شاهد شکل‌گیری یک جریان سیاسی و اجتماعی تحول‌خواه هم هستیم که در حاشیه حضور به مراتب گسترده‌تر و تعیین‌کننده‌تر زنان در چارچوب سنت و ارزش‌های ایرانی- اسلامی، علائق سیاسی و اجتماعی خود را در راستای تحولات دنیای مدرن دنبال می‌کند. همچنان‌که از دوره سلطنت محمدشاه شاهد تکوین و بر آمدن فرقه بابیه هستیم که در رون آن فرقه زنان هم حضور دارند که علائق سیاسی و شهیددینی کاملاً متعارضی با ارزش‌های دینی- شیعی جامعه ایرانی دنبال می‌کنند. بگذریم از این‌که در طول تاریخ ایران اقلیت‌های دینی متعددی هم در کشور زندگی می‌کرده‌اند (به‌طور عمده زرتشتیان، کلیمیان، ارمنه و مسیحیان) که حضور و نقش اجتماعی و سیاسی احتمالی زنان آنها عموماً در درون ساختار دینی و فرهنگی مشروطه متمرکز می‌شد. البته این را هم عرض کنم که از اواسط دوران سلطنت فتحعلی‌شاه به بعد عمدتاً توسط میسیونرهای مذهبی (شامل فرق گوناگون مسیحی که عموماً یا یکدیگر رقابت و گاه دشمنی هم داشتند) و برخی گروه‌های مسیحی و کلیمی ایرانی تلاش‌هایی برای تأسیس مدارس دخترانه و ارائه خدمات بهداشتی به زنان مسلمان و غیرمسلمان در برخی از مناطق ایران صورت گرفت که وقتی وارد عصر موسوم به مشروطه می‌شویم دامنه کمی و کیفی اینگونه فعالیت‌ها افزایش قابل توجهی پیدا کرده بود. بدین‌ترتیب در شرایطی به دوران مشروطه وارد می‌شویم که زنان ایران در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی می‌شود گفت حضوری دیرپا و در عین‌حال مؤثر را تجربه کرده بودند.

**در روند تکوین و شکل‌گیری انقلاب مشروطه چه گروه‌هایی از بانوان مشارکت**

# عاریچ

فکتو کو ۸۸۴۹۸۴۷۹

**حضور اجتماعی و سیاسی زنانی که علایق خود را در درجه اول در چارچوب سنت اسلامی (شیعی)– ایرانی دنبال می‌کردند و عمدتاً با جناح اسلام‌گرای رهبری انقلاب همگامی و همراهی نشان می‌دادند، به‌مراتب بیش از دیگر زنانی بود که علایق سیاسی و اجتماعی آنها در درون پارادایم تجدد و نوگرایی دنبال می‌کردند؛دیگر این‌که هر دو انقلاب حامیان و پشتیبانانی مؤثر داشتند و رسانه‌ای و تبلیغاتی تأثیرگذارتری بودند، با این حال همه اینها به‌معنای کمرچاب بودن جایگاه زنان دارای دیدگاه سنتی‌تر در روند پیروزی انقلاب و مهم‌تر از آن دفاع و صیانت از دستاوردها و موقعیت نظام مشروطه در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب مشروطه نبود. شاید دقیق‌تر باشد که عرض کنم: تا این‌س حدی که ما بعد از حدود ۱۱۲ سال این تقسیم‌بندی‌های عقیدتی- سیاسی را میان جریان‌های گوناگون زنان در تحولات آن روزگار انجام می‌دهیم، گروه‌های مختلف و در عین حال پربشماری از زنان که در رخداد‌های آن زمان مشارکت مؤثری داشتند (به‌رغم اختلافات در دیدگاه) چندان به‌دنبال نمایان ساختن اینگونه انفکاک‌ها و صف‌بندی‌ها نبودند و پیروزی کلیت نظام مشروطه را گامی بلند در راستای تأمین حقوق می‌کردند. در همین راستا هم بود که در طول دوران شکل‌گیری اولین ناآرامی‌های سیاسی در سال ۱۳۲۲ق تا هنگام صدور فرمان مشروطه و اعلام پیروزی انقلاب مشروطه (جمادی‌الثانی ۱۳۲۴م/برداد ۱۲۸۵)، در اکثریت قریب به تمام**

سیاسی غرب نبودند که در روند تکوین و شکل‌گیری انقلاب مشروطه مشارکت کردند، بلکه اکثریت بزرگی از زنانی که در روند بسپج انقلابی حضور پیدا کردند مشروطه‌خواهی و چیزی که نهایتاً در تأسیس مجلس شورای ملی و دولت (هیئت وزیران) در چارچوب قانون اساسی صورت عملی به خود گرفته و خود را نشان داد، عمدتاً از مدنیت جدید غرب ناشی می‌شد، اما اگر اسناد و منابع متقن و موثق آن روزگار را مورد بررسی و ارزیابی تاریخی قرار بدهیم متوجه خواهیم شد که انقلاب مشروطه در درجه اول با حضور علما و روحانیون شیعه و نقش تعیین‌کننده آنان در بسپج مشروطه و سیاسی مردم ایران (از اقبال گوناگون) و روحانیون شیعه و نقش تعیین‌کننده آنان در بسپج مشروطه و سیاسی مردم ایران (از اقبال گوناگون) جامعه یافته بود که به‌انحای گوناگون متأثر از تحولات و رخداد‌های سیاسی و اجتماعی دنیای مدرن خواستار ایجاد تحول در شئون گوناگون زندگی جامعه ایرانی و به‌ویژه کسب موقعیت مطلوب‌تر اجتماعی، آموزشی- تربیتی و نظایر آن برای زنان بودند.

**با این تفاسیر انگیزه بانوان برای ورود به نهضت مشروطه چه بود؟**

می‌دانیم که انقلاب مشروطه دو هدف عمده را دنبال می‌کرد: اول مبارزه و از میان برداشتن نظام استبدادگرا و خودکامه قاجار و پایان دادن به ستمکاری حکام و کارگزاران ریز و کلان بر پشتیبانی در اقصی نقاط کشور، دوم مقابله با نفوذ و حضور سلطه‌جویانه و استعماری دو کشور انگلستان و روسیه‌تزاری در ایران که طی سال‌های اخیر سلطنت مظفرالدین‌شاه (۱۳۲۵– ۱۳۱۴ق) گسترش یافته و بی‌سابقه‌ای پیدا کرده بود. منابع آن روزگار نشان می‌دهد در راستای نیل به این هدف‌ها میان مردان و زنانی که در روند تکوین، شکل‌گیری و پیروزی انقلاب مشروطه مشارکت کردند، اجماع تمام وکمالی وجود داشت. به‌همین دلیل هم بود که تقریباً در جریان تمام خداد‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی دوران متنج به پیروزی انقلاب مشروطه خیل عظیمی از زنان (گاه حتی مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر از مردان) در تظاهرات و نشست‌های اعتراضی و انتقادی حضور پیدا می‌کردند و با جسارت و دلیری به مراتب بیشتر از مردان شعارها و خواسته‌های مردم کشور را از نظام مربوط مطالبه می‌کردند تا جایایی که منابع موجود نشان می‌دهد تا آستانه پیروزی انقلاب خواسته‌ها و علائق سیاسی و اجتماعی زنان در راستای همین اهداف مشترک که بر مردان دنبال و پیگیری می‌شد که حتی زنان توگرا هم در مجموع بر این باور بودند که با پیروزی و استقرار نظام مشروطه خواست‌های ویژه زنان در شئون گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌تدریج محقق خواهد شد. در واقع هم اگر از برخی استثناات بگذریم، رهبران انقلاب مشروطه ایران در میان علما و سایر مشروطه‌خواهان توگرا‌تر نسبت به حقوق و خواست‌های زنان نگرشی تقابلی و منفی نداشتند و از این جهت میان روند کلی حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطه با انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مشترکات زیادی وجود دارد. به‌عبارت دیگر انقلاب مشروطه تحرک و تحولی به‌اصطلاح مردانه نبود و رهبران

و سازمان‌دهندگان انقلاب در میان جناح‌های مختلف فکری و سیاسی به عیان شاهد حضور مؤثر و در موارد متعدد کاملاً تعیین‌کننده زنان در پیشبرد خواست‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی در شئون گوناگون بوده و به‌تبع آن از مشارکت گسترده زنان در روند پیروزی، استقرار و تحکیم موقعیت انقلاب و نظام مشروطه حمایت و استقبال می‌کردند.

**جایگاه و نقش زنان در به ثمر رسیدن مشروطه چه میزان بود؟**

نقش و حضور زنان در انقلاب مشروطه را باید در دو مقطع قبل و بعد از پیروزی مشروطه مورد بررسی و ارزیابی تاریخی قرار داد. با این توضیح که اولاًحضور اجتماعی و سیاسی زنانی که علائق خود را در درجه اول در چارچوب سنت اسلامی (شیعی)– ایرانی دنبال می‌کردند و عمدتاً با جناح اسلام‌گرا‌تر رهبری انقلاب همگامی و همراهی نشان می‌دادند، به‌مراتب بیش از دیگر زنانی بود که علایق سیاسی و اجتماعی آنها در درون پارادایم تجدد و نوگرایی دنبال می‌کردند؛دیگر این‌که هر دو انقلاب حامیان و پشتیبانانی مؤثر داشتند و رسانه‌ای و تبلیغاتی تأثیرگذارتری بودند، با این حال همه اینها به‌معنای کمرچاب بودن جایگاه زنان دارای دیدگاه سنتی‌تر در روند پیروزی انقلاب و مهم‌تر از آن دفاع و صیانت از دستاوردها و موقعیت نظام مشروطه در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب مشروطه نبود. شاید دقیق‌تر باشد که عرض کنم: تا این‌س حدی که ما بعد از حدود ۱۱۲ سال این تقسیم‌بندی‌های عقیدتی- سیاسی را میان جریان‌های گوناگون زنان در تحولات آن روزگار انجام می‌دهیم، گروه‌های مختلف و در عین حال پربشماری از زنان که در رخداد‌های آن زمان مشارکت مؤثری داشتند (به‌رغم اختلافات در دیدگاه) چندان به‌دنبال نمایان ساختن اینگونه انفکاک‌ها و صف‌بندی‌ها نبودند و پیروزی کلیت نظام مشروطه را گامی بلند در راستای تأمین حقوق می‌کردند. در همین راستا هم بود که در طول دوران شکل‌گیری اولین ناآرامی‌های سیاسی در سال ۱۳۲۲ق تا هنگام صدور فرمان مشروطه و اعلام پیروزی انقلاب مشروطه (جمادی‌الثانی ۱۳۲۴م/برداد ۱۲۸۵)، در اکثریت قریب به تمام

سیاسی غرب نبودند که در روند تکوین و شکل‌گیری انقلاب مشروطه مشارکت کردند، بلکه اکثریت بزرگی از زنانی که در روند بسپج انقلابی حضور پیدا کردند مشروطه‌خواهی و چیزی که نهایتاً در تأسیس مجلس شورای ملی و دولت (هیئت وزیران) در چارچوب قانون اساسی صورت عملی به خود گرفته و خود را نشان داد، عمدتاً از مدنیت جدید غرب ناشی می‌شد، اما اگر اسناد و منابع متقن و موثق آن روزگار را مورد بررسی و ارزیابی تاریخی قرار بدهیم متوجه خواهیم شد که انقلاب مشروطه در درجه اول با حضور علما و روحانیون شیعه و نقش تعیین‌کننده آنان در بسپج مشروطه و سیاسی مردم ایران (از اقبال گوناگون) و روحانیون شیعه و نقش تعیین‌کننده آنان در بسپج مشروطه و سیاسی مردم ایران (از اقبال گوناگون) جامعه یافته بود که به‌انحای گوناگون متأثر از تحولات و رخداد‌های سیاسی و اجتماعی دنیای مدرن خواستار ایجاد تحول در شئون گوناگون زندگی جامعه ایرانی و به‌ویژه کسب موقعیت مطلوب‌تر اجتماعی، آموزشی- تربیتی و نظایر آن برای زنان بودند.

**زنان به‌رغم نداشتن حق رأی در روند تشکیل و تقویت موقعیت اولین انجمن‌های خارج از شمار غیر رسمی و نیز انجمن‌های رسمی در ایالات ولایات مختلف فضای سیاسی پر تنش‌شی را به‌وجود آورده بودند و در همان حال هنوز مخالفان انقلاب و نظام نوپای مشروطه در میان بدنه حاکمیت در تهران و سایر پر تنش‌شی کشورهای غربی در حال رشد و توسعه بودند و در عین حال برای تحریک کالاها و البسه تولید خارج (در درجه اول انگلیس و روسیه‌تزاری) صادر می‌شد که طی آن مخاطبان خود در میان زنان و مردان را به ضرورت تولید و مصرف کالا‌های داخلی و به‌زیار از خرید و مصرف کالا‌های خارجی ترغیب می‌کردند. زنان ایران که فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آنها در کشور از همان اوان پیروزی انقلاب بدان‌سو از طرف برخی جریان‌ها و شخصیت‌های مشروطه‌خواه و نیز تعدادی از احزاب و نشریات و روزنامه‌های مشروطه‌خواه ترغیب و تشویق و بی‌گرفته می‌شد، چند بار هم خطاب به زنان اروپایی که گمان می‌رفت می‌توانند در سیاست‌های حکومت‌های متبوعه خود مؤثر واقع شوند، نامه‌هایی ارسال کرده و خواستار حمایت آنها از انقلاب شدند؛ ضداستعماری ایران شدند که البته پاسخ نامه‌ها و تقاضاهایی از این دست چندان امیدوارکننده نبود؛ چه این‌که هنوز در اکثر قریب به تمام کشورهای اروپایی زنان نه حق رأی داشتند و نه قادر بودند در تصمیمات سیاستمداران کشورهای خود تأثیری جدی بگذارند. زنان ایران وقتی از قس‌رآداد ضایربانی (و چه‌بسا گاه مؤثر تر) در فرایند پیروزی انقلابی نقش‌های مهمی ایفا کردند و علاوه بر پشتیبانی از مردان حضور میدانی و مستقیم‌تر زنان در تظاهرات‌ها و نشست‌های سیاسی و نیز چاپ و پخش پیام‌ها و اعلامیه‌های انقلابی قابل توجه بوده است. به‌ویژه این که به‌دلیل عدیده فرهنگی- دینی نیروهای حکومتی را چندان برای مقابله بی‌ملاحظه با زنان نبود. در دوران بعد از پیروزی انقلاب فضای سیاسی و اجتماعی زنان در صیانت از دستاوردهای انقلاب و به‌مقابله با تحولات و انتقادات موجود در تظاهرات و نشست‌های اعتراضی و انتقادی حضور پیدا می‌کردند؛ حضور میدانی زنان از حاشیه به‌طور ضمنی از این خواسته تبتکارانه روسیه حمایت می‌کرد؛ زنان تهران و بسیاری دیگر از شهرهای کشور با برپایی تظاهرات و صدور اعلامیه و نوشتن‌های متعدد با این خواسته دولت روسیه به‌شدت مخالفت کرده و خواستار مقاومت دولت و مجلس در برابر زورگویی‌های بیگانگان علیه مردم ایران شدند. در کتاب خاطرات مورغان شوستر اشارات متعدد و در عین‌حال صریحی به حضور دلیرانه و مؤثر زنان در واقعه مذکور شده است که ضمن انتقاد شدید از سیاست‌های تجاوز کارانه روسیه دولت و مجلس ایران را به انحای گوناگون تشویق و حتی تهدید می‌کردند از پذیرش اولتیماتوم خودداری کنند. اما همچنان که می‌دانیم این مقاومت‌های دلیرانه زنان که صحنه‌ای نمائشی و تحسین‌برانگیز از حضور زنان ایران در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور در آن برهه‌سبب دشوار و نغم‌انگیز با بنمایش گذاشت، به‌جایی نرسید و دولت ایران سرانجام مجبور شد اولتیماتوم مذکور را بپذیرد که به‌تبع آن مجلس دوم شورای ملی هم منحل گردید.**

# ۹

می‌کردند. به‌ویژه زمانی که مجلس شورای ملی در مخالفت با تقاضای دولت مبنی بر اخذ قرض جدیدی از دو کشور انگلستان و روسیه‌تزاری درصدد بر آمد بانک ملی در ایران تأسیس کند، شمار زیادی از زنان کشور در حمایت از طرح تأسیس بانک ملی و تأمین سرمایه اولیه برای آن، ده‌ها هزار تومان و بلکه بیشتر وجه نقد و زور آلات و نظایر آن را گشاده‌دستانه و بی‌هیچ چشمداشت مالی- اقتصادی به نمایندگان تعیین‌شده از سوی دولت و مجلس تقدیم کردند. در میان این اهداکنندگان زنان زیادی (حتی از میان زنان مستمند و کم‌بضاعت) به‌چشم می‌خوردند که احیاناً کمتر از جزئیات تحولات سیاسی و اجتماعی جاری و ساری در کشور اطلاع دقیقی داشتند اما امیدوار بودند که موقعیت انقلاب تحولی جدی در موقعیت جامعه ایرانی در شئون گوناگون ایجاد کند و به‌ویژه آرزو داشتند با تأسیس بانک ملی سلطه مالی- سیاسی دو کشور روس و انگلیس بر ایران پایان پیدا کند. بگذریم از این‌که به دلیل حرجان‌های عدیده داخلی و کارشکنی‌ها و سنگاندازی‌های همان بیگانگان آن مقطع کار تأسیس بانک ملی سرانجام نیکویی نیافت و بخش اعظمی از سرمایه جمع‌آوری شده به بیغما رفت. در طول برهه موسوم به استبداد صغیر (که محمدعلی‌شاه مجلس اول را به‌توب بست و مشروطه موقتاً تعطیل شد و البته در این روند تندروهای برخی جریان‌های مشروطه‌خواه نقش کمی نداشت) اگرچه در فضای سیاسی و اجتماعی کشور رکودی حاصل شد اما مقاومت‌ها و مخالفت‌ها ادامه یافت و در این‌س روند البته که زنان نقش کمی نداشتند.

**انجمن‌های زنان در دوره مشروطه دوم برای تثبیت جایگاه خود در جامعه دست به چه اقداماتی زدند؟**

با ورود مجدد مشروطه‌خواهان به تهران و پایان کار محمدعلی‌شاه که شاهد آغاز دوره دوم مشروطه ایران هستیم، حضور اجتماعی و سیاسی مؤثر زنان در تحولات و رخداد‌های آن برهه ادامه یافت و هم‌زمان با پیگیری مطالبات عمومی ملت، انجمن‌ها و گروه‌های مختص زنان به‌انحای گوناگون پیگیر خواست‌ها و علائق اجتماعی و آموزشی- تربیتی و فرهنگی زنان بودند. از خواست‌های مدنی و سیاسی داخلی که بگذریم، زنان بالاخص در تحرکات ضداستعماری علیه اقدامات و رفتارهای سلطه‌جویانه دو کشور انگلستان و روسیه‌تزاری در قبل و بعد از پیروزی انقلاب مشروطه نقش و حضوری پررنگ داشتند. در این راستا به‌ویژه فراخوان‌ها و بیانیه‌های

متعددی از سوی انجمن‌ها و دیگر محافل زنان برای تحریک کالاها و البسه تولید خارج (در درجه اول انگلیس و روسیه‌تزاری) صادر می‌شد که طی آن مخاطبان خود در میان زنان و مردان را به ضرورت تولید و مصرف کالا‌های داخلی و به‌زیار از خرید و مصرف کالا‌های خارجی ترغیب می‌کردند. زنان ایران که فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آنها در کشور از همان اوان پیروزی انقلاب بدان‌سو از طرف برخی جریان‌ها و شخصیت‌های مشروطه‌خواه و نیز تعدادی از احزاب و نشریات و روزنامه‌های مشروطه‌خواه ترغیب و تشویق و بی‌گرفته می‌شد، چند بار هم خطاب به زنان اروپایی که گمان می‌رفت می‌توانند در سیاست‌های حکومت‌های متبوعه خود مؤثر واقع شوند، نامه‌هایی ارسال کرده و خواستار حمایت آنها از انقلاب شدند؛ ضداستعماری ایران شدند که البته پاسخ نامه‌ها و تقاضاهایی از این دست چندان امیدوارکننده نبود؛ چه این‌که هنوز در اکثر قریب به تمام کشورهای اروپایی زنان نه حق رأی داشتند و نه قادر بودند در تصمیمات سیاستمداران کشورهای خود تأثیری جدی بگذارند. زنان ایران وقتی از قس‌رآداد ضایربانی (و چه‌بسا گاه مؤثر تر) در فرایند پیروزی انقلابی نقش‌های مهمی ایفا کردند و علاوه بر پشتیبانی از مردان حضور میدانی و مستقیم‌تر زنان در تظاهرات‌ها و نشست‌های سیاسی و نیز چاپ و پخش پیام‌ها و اعلامیه‌های انقلابی قابل توجه بوده است. به‌ویژه این که به‌دلیل عدیده فرهنگی- دینی نیروهای حکومتی را چندان برای مقابله بی‌ملاحظه با زنان نبود. در دوران بعد از پیروزی انقلاب فضای سیاسی و اجتماعی زنان در صیانت از دستاوردهای انقلاب و به‌مقابله با تحولات و انتقادات موجود در تظاهرات و نشست‌های اعتراضی و انتقادی حضور پیدا می‌کردند؛ حضور میدانی زنان از حاشیه به‌طور ضمنی از این خواسته تبتکارانه روسیه حمایت می‌کرد؛ زنان تهران و بسیاری دیگر از شهرهای کشور با برپایی تظاهرات و صدور اعلامیه و نوشتن‌های متعدد با این خواسته دولت روسیه به‌شدت مخالفت کرده و خواستار مقاومت دولت و مجلس در برابر زورگویی‌های بیگانگان علیه مردم ایران شدند. در کتاب خاطرات مورغان شوستر اشارات متعدد و در عین‌حال صریحی به حضور دلیرانه و مؤثر زنان در واقعه مذکور شده است که ضمن انتقاد شدید از سیاست‌های تجاوز کارانه روسیه دولت و مجلس ایران را به انحای گوناگون تشویق و حتی تهدید می‌کردند از پذیرش اولتیماتوم خودداری کنند. اما همچنان که می‌دانیم این مقاومت‌های دلیرانه زنان که صحنه‌ای نمائشی و تحسین‌برانگیز از حضور زنان ایران در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور در آن برهه‌سبب دشوار و نغم‌انگیز با بنمایش گذاشت، به‌جایی نرسید و دولت ایران سرانجام مجبور شد اولتیماتوم مذکور را بپذیرد که به‌تبع آن مجلس دوم شورای ملی هم منحل گردید.



**زنان به‌رغم نداشتن حق رأی در روند تشکیل و تقویت موقعیت اولین انجمن‌های خارج از شمار غیر رسمی و نیز انجمن‌های رسمی در ایالات ولایات مختلف فضای سیاسی پر تنش‌شی را به‌وجود آورده بودند و در همان حال هنوز مخالفان انقلاب و نظام نوپای مشروطه در میان بدنه حاکمیت در تهران و سایر پر تنش‌شی کشورهای غربی در حال رشد و توسعه بودند و در عین حال برای تحریک کالاها و البسه تولید خارج (در درجه اول انگلیس و روسیه‌تزاری) صادر می‌شد که طی آن مخاطبان خود در میان زنان و مردان را به ضرورت تولید و مصرف کالا‌های داخلی و به‌زیار از خرید و مصرف کالا‌های خارجی ترغیب می‌کردند. زنان ایران که فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آنها در کشور از همان اوان پیروزی انقلاب بدان‌سو از طرف برخی جریان‌ها و شخصیت‌های مشروطه‌خواه و نیز تعدادی از احزاب و نشریات و روزنامه‌های مشروطه‌خواه ترغیب و تشویق و بی‌گرفته می‌شد، چند بار هم خطاب به زنان اروپایی که گمان می‌رفت می‌توانند در سیاست‌های حکومت‌های متبوعه خود مؤثر واقع شوند، نامه‌هایی ارسال کرده و خواستار حمایت آنها از انقلاب شدند؛ ضداستعماری ایران شدند که البته پاسخ نامه‌ها و تقاضاهایی از این دست چندان امیدوارکننده نبود؛ چه این‌که هنوز در اکثر قریب به تمام کشورهای اروپایی زنان نه حق رأی داشتند و نه قادر بودند در تصمیمات سیاستمداران کشورهای خود تأثیری جدی بگذارند. زنان ایران وقتی از قس‌رآداد ضایربانی (و چه‌بسا گاه مؤثر تر) در فرایند پیروزی انقلابی نقش‌های مهمی ایفا کردند و علاوه بر پشتیبانی از مردان حضور میدانی و مستقیم‌تر زنان در تظاهرات‌ها و نشست‌های سیاسی و نیز چاپ و پخش پیام‌ها و اعلامیه‌های انقلابی قابل توجه بوده است. به‌ویژه این که به‌دلیل عدیده فرهنگی- دینی نیروهای حکومتی را چندان برای مقابله بی‌ملاحظه با زنان نبود. در دوران بعد از پیروزی انقلاب فضای سیاسی و اجتماعی زنان در صیانت از دستاوردهای انقلاب و به‌مقابله با تحولات و انتقادات موجود در تظاهرات و نشست‌های اعتراضی و انتقادی حضور پیدا می‌کردند؛ حضور میدانی زنان از حاشیه به‌طور ضمنی از این خواسته تبتکارانه روسیه حمایت می‌کرد؛ زنان تهران و بسیاری دیگر از شهرهای کشور با برپایی تظاهرات و صدور اعلامیه و نوشتن‌های متعدد با این خواسته دولت روسیه به‌شدت مخالفت کرده و خواستار مقاومت دولت و مجلس در برابر زورگویی‌های بیگانگان علیه مردم ایران شدند. در کتاب خاطرات مورغان شوستر اشارات متعدد و در عین‌حال صریحی به حضور دلیرانه و مؤثر زنان در واقعه مذکور شده است که ضمن انتقاد شدید از سیاست‌های تجاوز کارانه روسیه دولت و مجلس ایران را به انحای گوناگون تشویق و حتی تهدید می‌کردند از پذیرش اولتیماتوم خودداری کنند. اما همچنان که می‌دانیم این مقاومت‌های دلیرانه زنان که صحنه‌ای نمائشی و تحسین‌برانگیز از حضور زنان ایران در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور در آن برهه‌سبب دشوار و نغم‌انگیز با بنمایش گذاشت، به‌جایی نرسید و دولت ایران سرانجام مجبور شد اولتیماتوم مذکور را بپذیرد که به‌تبع آن مجلس دوم شورای ملی هم منحل گردید.**

**زنان پس از پیروزی مشروطه در حمایت از این جریان نقش دیگری هم داشتند؟**

زنان به‌رغم نداشتن حق رأی در روند تشکیل و تقویت موقعیت اولین مجلس شورای ملی و در حالی که انجمن‌های خارج از شمار غیر رسمی و نیز انجمن‌های رسمی در ایالات و ولایات مختلف فضای سیاسی پر تنش‌را را به‌وجود آورده بودند و در همان حال هنوز مخالفان انقلاب و نظام نوپای مشروطه در میان بدنه حاکمیت در تهران و سایر مناطق کشور قدرت تأثیرگذاری زیادی داشتند، نقش‌های حمایت‌گرانه پرشوری از انقلاب ایفا